

شناخت شخصیت حضرت احمد بن موسی(ع) در ایران

سید نورالدین حسینی^۱

چکیده

سابقه و هدف: این مقاله باهدف اهمیت و محوریت شناخت شخصیت حضرت احمد بن موسی(ع) نگاشته شده است. بی‌تردید زیارت امامزادگان هرگاه از سر معرفت و با بصیرت و آگاهی باشد به‌مثابه تجدید پیمان با اهل‌بیت(ع) است که این چنین عهد و پیمانی در شناخت اهداف و رسالت ائمه اطهار و گسترش تشیع نقش مهمی دارد.

مواد و روش‌ها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی است و پس از بررسی مفاهیم با ارائه نتایج به پیشنهادها کاربردی پرداخته شده است. روش تحقیق حاضر توصیفی و روش گردآوری اطلاعات آن، کتابخانه‌ای است. بدین صورت که از منابع کتابخانه‌ای نظیر: کتاب، مقاله، منابع خارجی و آموخته‌های محقق استفاده شده است.

یافته‌ها: از نظر این پژوهش زیارت در میان شیعیان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و می‌توان از طریق زیارت، طلب قرب به خداوند را درخواست نمود و با استعانت از اهل‌بیت(ع)، امامزادگان(ع) و بزرگان به این مطلوب نائل شد. زیارت دارای دو رکن اساسی است، یکی از آن‌ها اثبات شخصیت معنوی مزور بدون در نظر گرفتن انتسابات نسبی‌اش و دومی صحت انتساب آن شخصیت به مرقد مطهر اوست. سومین حرم (بعد از حرم امام رضا(ع) و حضرت معصومه(س)) از جهت اهمیت در ایران امامزاده شاه‌چراغ شیراز است که مورد توجه خیل مشتاقان آل الله گردیده است از همین روی بسیاری به دنبال شناخت ابعاد شخصیتی و معرفتی احمد بن موسی(ع) هستند.

نتیجه‌گیری: از مباحث ایراد شده نتیجه گرفته می‌شود که آشنایی با ویژگی‌های شخصیتی بزرگان دین و سبک زندگی آنان راهی روشن را برای رشد و تکامل فراروی انسان قرار می‌دهد و باعث می‌شود که از آن‌ها شیوه چگونگی زیستن را بیاموزیم و از خورشید وجودشان بهره‌گیری کنیم.

کلیدواژه‌ها: احمد بن موسی(ع)، شخصیت والای انسانی، امامزادگان(ع)، پیمان با اهل‌بیت(ع).

مقدمه

وجود ائمه و امام زادگان به سبب جایگاه و شخصیت والای انسانی و مرتبه وجودی آنان نه تنها در زمان حیات، بلکه بعد از آن نیز برکات دنیوی و اخروی زیادی به همراه دارد و به سبب این برکات است که اسلام به وجود و لزوم زیارت و پرداختن به آن در زندگی انسان تأکید داشته است (ابن بابویه، ۱۳۸۶). احمد بن موسی بن جعفر ملقب به شاه چراغ و مشهور به سیدالسادات الاعاظم، از فرزندان امام کاظم(ع) است. او از امام زادگان مشهور در ایران است که در زمان خلافت مأمون به ایران سفر کرد و با شنیدن خبر شهادت امام رضا(ع)، در شیراز ماند و در همان جا به شهادت رسید. مقبره وی در شیراز، مدت ها مخفی بود. (ابن حیون، ۱۳۸۵).

مهم ترین و بارزترین ویژگی شخصیتی حضرت احمد بن موسی(ع) اطاعت محض از ولی و خلیفه خدا یعنی امامان معصوم، خصوصاً حضرت موسی بن جعفر و امام رضا (علیهما السلام) هست که خداوند اطاعت از آنان را واجب ساخته و با اطاعت از آنها انسان به جاودانگی و شرف ابدی دست می یابد چون آن حضرت با امام رضا(ع) بیعت نمود و دیگران را نیز تشویق و ترغیب کرد که با امام رضا(ع) بیعت کنند و در تثبیت رکن ولایت که از مهم ترین ارکان اسلام است تلاش خستگی ناپذیری از خود بروز داد. در مورد ویژگی های شخصیتی حضرت محمد بن موسی(ع) باید گفت که او شخصی صالح و فاضل بود. از طهارت پیشگان و نیکوکاران بود که خداوند در قرآن دوستی آنان را به صراحت اعلام می دارد و با شب زنده داری پیوسته قلب خویش را به یاد خدا روشن و منور نمود و محبت خاصی به راز و نیاز با خدا داشت و به بهترین کارها در طول زندگی خویش همت گماشت و مصداق بندگانی بود که در عبادت خداوند متعال در قرآن کریم آنان را می ستاید (ابن فارس، ۱۴۱۴ق).

روش پژوهش

روش پژوهش در این مطالعه از نظر ماهیت، کیفی و از نقطه نظر، شیوهی گردآوری اطلاعات، از نوع کتابخانه ای - اسنادی است. روند انجام پژوهش نخست با مراجعه به منابع معتبر و مرتبط داخلی و خارجی در زمینه ی موضوع پژوهش انجام گرفت. پس از آن، ضمن بررسی محورهای اساسی، کلیدواژه ها و مفاهیم بنیادی آن گزیده شدند و در ادامه به جایگاه و ارتباط مفاهیم پرداخته شد. این روش تحقیق از نوع روش

تحقیق نظری است که با روش تحلیل محتوا و با رویکرد کیفی انجام گرفته است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، برگه‌های برداشت‌شده از کتب گوناگون و از طریق مطالعه کتابخانه‌ای بوده است. قلمرو تحقیق، کلیه منابع اصلی و دست‌اول و همچنین منابعی بوده است که دیگران به‌صورت نقد در خصوص آن‌ها تدوین نموده و به زبان‌های انگلیسی و فارسی بوده است. در این مورد محقق به سراغ منابع اولیه و کتاب‌ها، آثار و نوشته‌های دست‌اولی که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به موضوع اشاره نموده رفته است. براساس تحلیل منابع، یافته‌های پژوهش را ارائه داده است و درنهایت این یافته‌ها را موردبحث قرار داده است.

شیوه انتخاب منابع که مبنا تحلیل قرار گرفته است، عمدتاً اصالت منبع، موثق بودن و مرجعیت نویسنده یا نویسندگان بوده است. همچنین قابلیت دسترسی به منابع نیز وجهه نظر قرار گرفته است. روش تحقیق به‌منظور وصول به اهداف، روش توصیفی - تحلیلی است که در آن ضمن توصیف اطلاعات جمع‌آوری‌شده، اطلاعات نیز مورد تحلیل قرار گرفته است. گردآوری اطلاعات با روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است. در این روش اطلاعاتی گردآوری می‌شود که به لحاظ ماهیت کیفی‌اند و در کتابخانه نگهداری می‌شوند. منابع کتابخانه‌ای مورد استفاده عبارت‌اند از کتاب، مقاله و دیگر آثار مکتوب اعم از کاغذی و الکترونیکی و بخشی از گردآوری اطلاعات در روش مذکور از طریق فیش‌نویسی صورت گرفته است. در شیوه پردازش اطلاعات عمدتاً از استنتاج یا استدلال استفاده شده است. برای سازمان‌دهی هرچه بهتر تحقیق براساس سؤالات اصلی و فرعی، ابتدا مفهوم‌شناسی موضوع و سپس تحلیل محتوا موردبحث قرار می‌گیرد و در پایان به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری بحث می‌پردازیم.

مبانی نظری

شخصیت و فضایل احمد بن موسی(ع): احمد بن موسی الکاظم(ع) ملقب به شاه‌چراغ یکی از سی‌وهفت فرزند امام کاظم(ع) و برادر علی بن موسی‌الرضا(ع) بود. مادرش امّ احمد مورداحترام جناب موسی بن جعفر(ع) قرار داشت. بعد از دعوت مأمون از امام رضا(ع) برای ولایت‌عهدی، ایشان به طوس رجعت نمودند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق). احمد به همراه جمعی از شیعیان به‌قصد زیارت علی بن موسی‌الرضا(ع) به سمت خراسان حرکت کردند. هنگامی که مأمون از این خبر آگاه شد به حاکم شیراز قتلغ خان دستور داد تا از حرکت احمد و شیعیان همراهش که جمعیتشان رو به فزونی گذاشته بود خودداری کند. در محلی به نام

خان زینان در هشت فرسخی شیراز جنگی بین احمد و قتلغ خان در گرفت. قتلغ خان خبر شهادت امام رضا(ع) را به همراهان احمد داد و همین امر مایه پراکندگی یاران و تنها ماندن ایشان شد. او به جانب شیراز گریخت و در محلی که مقبره فعلی ایشان است. به طرز ناجوانمردانه‌ای به شهادت رسید. در نقلی دیگر احمد در گوشه‌ای از شهر پنهان می‌گردد و به عبادت می‌پردازد تا اجلش فرامی‌رسد. کسی به محل دفن او مطلع نبود تا اینکه در زمان امیر مقرب الدین مسعود بن بدر الدین که از وزرا مقرب اتابک ابی بکر بن سعد بن زنگی بود در محل مرقد احمد بن موسی (ع) جسدی صحیح و سالم پیدا کردند که در انگشتی دستش نوشته بود: «العزة لله احمد بن موسی» ابی بکر دستور داد بر فراز قبر او قبه‌ای بنا کنند (استرآبادی، ۱۳۸۷). تاریخ شهادتش را بین سال‌های ۲۲۰ - ۲۲۳ ذکر کرده‌اند (افلاکیان دوست، ۱۳۹۰).

برای یک زائر معرفت مزور شرط اساسی یک زیارت است همچنان که ابی نصر بزنطی در حدیثی می‌گوید: «در کتاب ابی الحسن الرضا (ع) خواندم که به شیعیان من برسانید زیارت من برابر است نزد خدای عز و جل با هزار حج گوید به امام نهم گفتم هزار حج، فرمود آری به خدا هزار هزار حج است برای کسی که او را بامعرفت زیارت کند» (بروجردی، ۱۴۱۵ق) به همین خاطر در این نوشتار در پی معرفت به امامزاده احمد بن موسی (ع) هستیم. محمد بن موسی(ع) و حسین بن موسی(ع) دیگر برادران احمد بن موسی (ع) هستند که در شیراز مدفون‌اند که در این مقاله به آنان پرداخته نمی‌شود و تمرکز بر روی احمد بن موسی(ع) است. حضرت سید امیر احمد(ع) ملقب به شاه‌چراغ و سیدالسادات الاعاظم، فرزند بزرگوار امام موسی کاظم(ع) است (تشید، ۱۳۹۴). پسران امام هفتم علیه‌السلام بنا به مشهور نوزده نفر می‌باشند. حضرت احمد بن موسی (علیهماالسلام) و محمد بن موسی (علیهماالسلام) از یک مادر که «ام احمد» خوانده می‌شد متولد گردیدند. ام احمد در میان همسران امام موسی کاظم(ع) محبوب‌ترین و داناترین بودند. در فضیلت احمد بن موسی (علیهماالسلام) سخنان بسیاری است. آن جناب پس از برادر گرامی خود امام رضا(ع) و در میان فرزندان امام کاظم (ع) از شخصیتی بس والا و صفاتی نیکو برخوردار بود(حاتمی، ۱۳۸۷). به‌طور کلی از آنچه نسب شناسان، علمای رجال، محدثان، محققان، مورخان، مؤلفان و نویسندگان در خصوص احمد بن موسی (علیهماالسلام) و فضایل وی نوشته‌اند، برمی‌آید که او کریم، شجاع، فاضل، صالح، پرهیزگار، صاحب ثروت و منزلت، بزرگوار و باعزت بوده و نزد پدرش منزلتی خاص داشته است. شب‌ها تا صبح به عبادت مشغول

بود، با قلم خود، قرآن بسیار نوشت و شخصی موثق و راوی احادیث زیادی از نیای خود بود. شیخ مفید علیه‌الرحمه در کتاب خود بنام (ارشاد) در شرح حال حضرتش می‌فرماید: «حضرت احمد بن موسی (علیهما‌السلام) جلیل‌القدر، کریم و پرهیزگار بود و حضرت موسی بن جعفر (علیهما‌السلام) او را دوست و مقدم می‌داشت و مزرعه خود که معروف بود به «بسیره» به او بخشید» (حبیبی، ۱۳۸۸).

زندگی‌نامه حضرت سید میر احمد بن موسی بن جعفر (ع)

حضرت سید امیر احمد (ع) لقب به شاه‌چراغ و سیدالسادات‌الاعظم فرزند بزرگوار امام هفتم و برادر حضرت امام رضا (ع) است. روز و سال دقیق تولد این امامزاده بزرگوار مشخص نیست اما برخی منابع روز تولد ایشان را ششم ذی‌القعدة در مدینه منوره ذکر کرده‌اند (حجاری، ۱۳۹۱). حضرت سید میراحمد بن موسی شاه‌چراغ (ع)، یکی از شخصیت‌های عالی‌مقام و پرهیزگاری بود که پدر وی همواره او را به بخشنده‌گی و دلیری می‌ستود و پس از شهادت حضرت امام موسی کاظم (ع)، مردم مدینه به خانه او رفتند و با وی بیعت کردند اما پس‌از آن، حضرت سید میر احمد بن موسی (ع) در فضائل برادرش امام رضا (ع) سخن‌ها گفت و همگان را بر آن داشت تا به خدمت وی برسند و با او به‌عنوان هشتمین امام شیعیان بیعت کنند. دوران امامت امام هشتم هم‌زمان با اختناق و ظلم حکومت عباسیان به‌ویژه خلیفه وقت مأمون همراه بود که در پی ظلم و ستم بسیار، زمینه‌های قیام علیه آن‌ها با زعامت و هدایت حضرت امام رضا (ع) در راه اسلام راستین و حاکمیت الهی فراهم‌شده بود. مأمون به‌منظور فرونشاندن این مبارزات و تحکیم خلافت متزلزل عباسی تصمیم گرفت تا ولایتعهدی خود را به امام رضا (ع) واگذار کند و علیرغم میل باطنی امام وی را از مدینه به طوس انتقال دهد (حر عاملی، ۱۳۸۵). حضور پربرکت امام در خراسان سبب شد که شیعیان و محبان اهل‌بیت (ع) رسالت برای زیارت چهره تابناک امامت و ولایت و برای پیوستن به ایشان از نقاط مختلف جهان به‌سوی ایران حرکت کنند و حضرت سید میر احمد بن موسی (ع) برادر آن بزرگوار نیز از جمله کسانی بود که به همراه دو تن از برادرانش و گروه زیادی از برادرزادگان و شیعیان، بالغ‌بر دو یا سه هزار نفر از طریق بصره عازم خراسان شد. روزها می‌گذشت و مقام ولایت حضرت امام رضا (ع) بیش‌ازپیش بر مردم آشکار می‌شد، مأمون که از این موضوع ناخرسند بود نتوانست ایشان را برتابد و حضرت را در سال ۲۰۲ هجری قمری به شهادت رساند (حرانی، ۱۳۸۲). اما مأمون به این امر اکتفا

نکرد و از آنجایی که خبر حرکت حضرت سید میر احمدبن موسی(ع) به او رسیده بود دستور داد تا یاران و خویشان امام را به شهادت برسانند. هنگامی که حضرت سید میر احمدبن موسی(ع) به نزدیکی شهر شیراز رسید و از خبر شهادت حضرت امام رضا(ع) مطلع شد. برای خون‌خواهی برادر با یاران خویش در مقابل سپاه قتلغ خان حاکم فارس صف کشید و باشهامتی بی‌نظیر با آنان مبارزه کرد اگرچه در این نبرد، عده‌ای از امامزادگان و اصحاب حضرت سید میر احمدبن موسی(ع) زخمی و تعدادی نزدیک به سیصد نفر به شهادت رسیدند اما قتلغ خان شکست خورد و به سمت دروازه‌های شیراز گریخت. حضرت سید میر احمدبن موسی(ع) با یاران خود در پشت دروازه‌های شهر شیراز خیمه زدند تا بتواند با پیکاری دوباره پیروز میدان نبرد باشد قتلغ خان که در خود توان مبارزه را نمی‌دید ناجوانمردانه دستور داد تا سربازانش شب‌هنگام به جایگاه او حمله برند. در این نبرد نابرابر حضرت شاه‌چراغ(ع) شجاعانه جنگید اما دست ستم‌سربازی به همراه شمشیری بر فرق سر مبارک ایشان وارد آمد و ایشان را در هفدهم رجب سال ۲۰۳ هجری قمری به شهادت رساند و برای همیشه سرزمین شیراز را میزبان خود ساخت(حلی، ۱۴۱۷ق).

نقش امامزاده‌ها به‌عنوان مکان ارتقاء دهنده فرهنگ اسلامی در شهرها

با رواج اسلام در ایران و گسترش مذهب شیعه در قرون اولیه اسلامی، شهرها و روستاهای ایران، تبدیل به مراکزی برای زندگی و پس از مرگ امامزاده‌ها، مقبره‌هایشان به محلی برای زیارت مشتاقان تبدیل شده که یکی از جنبه‌های مهم فرهنگی در زندگی مردم به حساب می‌آید(خسروی، ۱۳۹۷). با مراجعه به تاریخ می‌فهمیم که ایرانیان از دیرباز به‌عنوان شیفتگان و دلدادگان خاندان پیامبر(ص) شناخته شده‌اند، زیرا مردم این مرزوبوم از ابتدا از روی آگاهی و شناخت، اسلام را پذیرفتند توصیه‌های نبی گرامی اسلام را در تمسک به تقلید (قرآن و عترت)، به جان‌ودل پذیرفتند ایرانیان در عمل به این وصیت و پاسداشت حرمت قرآن کریم و اهل بیت پیامبر بیشترین سهم را داشته و از سایر اقوام و ملت‌ها پیشی گرفتند (خویی، ۱۳۹۲). از طرفی، خاندان رسول خدا (ص) به خاطر، ظلم و ستم، تعقیب و شکنجه‌های هولناکی که به آنان روا می‌داشتند به ستوه آمده بودند و عرضه زندگی در دیار عرب، لحظه‌به‌لحظه برای آنان تنگ‌تر می‌شد. از این‌رو به دیگر سرزمین‌های اسلامی پناه می‌آوردند که تا شاید آنجا را مأمن خود یابند. یکی از این مناطق، سرزمین ایران اسلامی است که آغوش خود را برای میهمانان شریف گشوده است و امروز آرامگاه ایشان پناهگاه و ملجأ مردم این سرزمین است. امامزاده از نظر ادبی به معنی فرزندی از نسل امام

است و در این مورد به کسی اطلاق می‌شود که نسبتش به یکی از دوازده امام شیعه برمی‌گردد. باوجوداین در عمل، لغت امامزاده به زیارتگاه یا مقبره امامزاده اطلاق می‌گردد. ساخت مساجد در تمام شهرهای اسلامی عمومیت دارد ولی امامزاده‌ها و هم‌چنین حسینیه‌ها معمولاً خاص فرقه شیعه به شمار می‌آیند در شهرهای سنی نشین وجود ندارند (روضاتی، ۱۴۲۴ق). امامزاده‌ها در شهرها یک ناحیه هسته‌ای مهم را به وجود می‌آورند. وجود امامزاده‌ها در ایران از چنان اعتباری برخوردار بوده که در بسیاری از موارد دلایل عمده تأسیس اولیه یا توسعه بعدی شهرها به شمار می‌آمدند. اماکن مذهبی از جمله امامزاده‌ها، زائران خود را از شهر، پسرکانه‌ها یا شهرهای مجاور پذیرا هستند و توریسم مذهبی را رونق می‌دهند (سلیمانی، ۱۳۸۸). آن‌ها اغلب به مکان‌های اصلی برای دیدار و تجمع شهروندان و نیز زیارت تبدیل می‌گردند و برابری، برادری، اتحاد و وحدت را که از مهم‌ترین شاخصه‌های فرهنگ اسلامی است را تقویت می‌نمایند و از این حیث، امامزاده‌ها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مکان‌ها و عوامل ارتقاء دهنده فرهنگ اسلامی در شهرها، مطرح می‌شوند (صدوق، ۱۴۲۰ق).

کرامت و سخاوت

بسیاری از تذکره نویسان و رجال شناسان جناب احمد بن موسی (ع) را به‌عنوان مردی کریم و اهل جود و سخاوت معرفی کرده‌اند. شیخ مفید و نیز صاحبان کتاب‌های «نقدالرجال» و «جامع الرواه» درباره او نوشته‌اند: «کان کریماً. . . و یقال: ان احمد بن موسی (رضی الله عنه) اعتق الف مملوک. احمد بن موسی (ع) مردی کریم و بخشنده بود و گویند ایشان هزار بنده خرید و در راه خدا آزاد نمود. (طبرسی، ۱۳۹۴).

دانش و آگاهی و سخنوری

براساس برخی شواهد احمد بن موسی (ع) مردی سخنور و برخوردار از صفت بلاغت و فصاحت بوده است. تعبیراتی مانند: «کان. . . عالماً نبیلاً، او عالمی برجسته بود.» و «کان. . . فاضلاً من أحب ابناء موسی کاظم (ع) و أوثقهم بعدالرضا (ع)، او شخصیتی با فضل و از محبوب‌ترین پسران امام موسی کاظم (ع) و از مورد وثوق‌ترین آنان پس از امام رضا (ع) بود.» (طریحی، ۱۳۸۵) «کتب ألف مصحف بیده المبارکه، با

دست مبارک خود، هزار جلد قرآن کتابت نمود و تعبیرات مشابه دیگر در حق احمد بن موسی(ع) همه دلایل روشنی بر مراتب دانش و آگاهی و تلاش علمی آن جناب است. (عرفان منش، ۱۳۹۶)

زندگی مخفیانه و شهادت احمد بن موسی(ع)

در نتیجه توطئه دشمن، بسیاری از یاران احمد بن موسی(ع) به شهادت رسیدند و عده‌ای نیز که از نیرنگ دشمن به سلامت گریخته بودند، در اطراف شهر پراکنده شدند. مورخان اتفاق نظر دارند که غالب امامزادگان در فارس و دیگر شهرهای ایران، از پراکنده‌شدگان این نهضت هستند. احمد بن موسی با تنی چند از برادران و یاران خویش تا مدتی زندگی مخفیانه‌ای برگزیدند. دشمن در گوشه و کنار به‌سختی در جستجوی آنان بود. حکمران فارس، جاسوسان بسیاری را برای یافتن احمد بن موسی(ع) گماشت. سرانجام جاسوسان محل اختفای احمد بن موسی(ع) و یارانش را یافتند. قتلخ خان با شمار زیادی از سپاهیان خود به آن‌ها هجوم برد (عرفان منش، ۱۳۷۷). احمد بن موسی (علیهما السلام) شجاعانه در مقابل دشمن پایداری کرد و به دفاع از خود پرداخت. برخی از منابع می‌نویسند: احمد بن موسی (علیهما السلام) به‌تنهایی با لشکر انبوهی به نبرد پرداخت. دشمن چون دید از عهده او بر نمی‌آید، شکافی در جایگاه استراحت وی ایجاد کرد و از پشت بر سرش شمشیر زد؛ سپس خانه را خراب کرد، و بدن او در زیر توده‌های خاک، در محلی که هم‌اکنون مرقد و بارگاه اوست، پنهان شد. با توجه به تبلیغ گسترده حکومت و مأموران علیه تشیع و اهل‌بیت(ع) تعداد زیادی از مردم که از مخالفین تشیع بودند، حرمت بدن شریف نوه پیامبر را نگاه نداشتند و آن را در زیر آوار نگاه داشته و به خاک نسپردند مؤلف هدیه احمدیه این رویداد را چنین شرح می‌دهد: «مردان روباه‌صفت و نیرنگ‌باز که از پیش او فرار نمی‌کردند، از دم تیغ به هلاکت می‌رسیدند و چون به محله دزک رسید، ظالمی از عقب ضربتی بر فرق همایونش زد که تا دامنه ابرو را شکافت و چند زخم کاری دیگر که از عقب سر بر بدن مبارکش وارد ساخت تا حدی که ضعف فوق‌العاده بر بدن شریفش مستولی گردید و در چنین احوال باز کفار بی‌رحمی را که در کمال بی‌غیرتی به حضرتش حمله می‌بردند از خود دور ساخته، مردانه با شجاعت از خود دفاع می‌نمود تا از بازار سوق المفازن (این زمان معروف به بازار ریس‌مان) عبور فرموده به همین موضع که اکنون تربت مقدس آن بزرگوار است رسیدند. از کثرت زخم و جراحات و خون که از رگ‌های مبارکش بیرون شده بود، باحالت ضعف از پای درآمده و اشقیای کفار برگردش مجتمع و آن حضرت را شهید ساختند (عرفان منش، ۱۳۹۱).

ولایت مداری و دفاع از امامت

در این مورد گزارش‌ها ارزنده‌ای در دست است که نشان می‌دهد وی حقانیت امامت و ولایت را بعد از شهادت پدرش آشکار ساخته است. بیعت احمد بن موسی (ع) و مردم مدینه با علی بن موسی‌الرضا (ع) از مهم‌ترین روایت‌هایی است که در فضایل احمد بن موسی (ع) نقل شده است. (کلاتری، ۱۳۹۰) آیت‌الله سیدعلی اصغر دستغیب می‌فرماید: «بعضی شخصیت‌ها بی‌مرز هستند یعنی اینکه در گوشه و کنار عالم هستی هر انسانی که دارای معرفت و بینش باشد نسبت به آن‌ها سر تعظیم فرود آورده و به‌عنوان الگوی کرامت و فضیلت قبولشان دارد که یک نمونه از این شخصیت‌های بدون مرز امین ولایت حضرت احمد بن موسی (ع) هستند که صرف‌نظر از پیوندهای نسبی به پیامبر و ائمه (ع) از لحاظ مقامات عالی‌ه انسانی و خصوصیتی که اولیا الله دارند شهره‌اند. آن حضرت به‌ویژه در امتحان امانت‌داری ولایت سربلند خارج شد که شرایط زمان ایشان به‌گونه‌ای بود که افراد زیادی خواستار ولایت و امامت ایشان بودند و اگر ایشان چنین کاری را انجام می‌دادند، فرقه‌ای بر فرقه‌های مشکل‌ساز عالم اسلام افزوده می‌شد؛ اما ایشان امانت‌داری نموده و شرایط امام شدن را تبیین کرد که امام بعدی را باید الزاماً امام قبلی تعیین کند. باید قدردان آنچه داریم باشیم و عطیه‌های الهی در حق خود را باور کنیم و اگر کسی درجایی شایستگی‌های بیشتری نسبت به ما دارد آن را کتمان نکنیم و این درسی است که از حضرت احمد بن موسی (ع) می‌گیریم.» (مامقانی، ۱۳۴۱).

صفات برجسته جناب احمد بن موسی (ع)

شیخ مفید (ره) صفات برجسته‌ای را برای احمد بن موسی (ع) نقل می‌کند: «و کان احمد بن موسی کریماً جلیلاً کبیراً ورعاً» (مرادی، ۱۳۸۸) اما کریم به کسی می‌گویند که شرافتی در اخلاقی است (مفید، ۱۴۱۳ق) و جامع انواع خیر و شرف و فضائل را نیز دارد (ملک‌الکتاب شیرازی، ۱۳۳۵ق) و جلیل به کسی می‌گویند که دارای عظمت و شکوه باشد (منصوری، ۱۳۸۳) و کبیر در مقابل صغیر است و به کسی که سنش یا فضیلتش بیش از دیگران باشد به او کبیر می‌گویند و فرق کبیر با سید آن است که سید کسی است که تدبیر یک قوم را به عهده می‌گیرد ولی کبیر شخص میانسال یا دارای فضیلت است (یعقوبی، ۱۳۸۶) صفت ورع به معنای عفت و خودداری از امور ناشایسته است. (خسروی، ۱۳۹۷) این اوصاف در

مورد حضرت احمد بن موسی(ع) نشان می‌دهد ایشان دارای صفات حسنه و فضائل بوده‌اند که زبان زد بوده و البته این اوصاف نشان از بزرگی سنی ایشان در میان فرزندان حضرت امام کاظم(ع) یا بزرگی نسبی ایشان نسبت به برخی از فرزندان آن حضرت می‌دهد. یکی از نشانه‌های تقوی و ورع در جناب احمد بن موسی(ع) رجوع مردم به ایشان بعد از شهادت حضرت موسی بن جعفر(ع) است چراکه مردم برای امامت شیعیان ابتدا با ایشان بیعت کردند و سپس ایشان با بیعت با علی بن موسی‌الرضا(ع) مردم را به بیعت با امام رضا(ع) آگاه ساختند (روضاتی، ۱۴۲۴ق).

جایگاه احمد(ع) نزد موسی بن جعفر(ع)

شیخ حرّ عاملی به نقل از شیخ مفید در کتاب ارشاد با عبارت: «أثنی علیه المفید فی إرشاده» (صدوق، ۱۴۲۰ق) ثناگویی شیخ مفید (ره) از احمد بن موسی(ع) را دلیل بر ثقه بودن او ذکر می‌کند. (خوبی، ۱۳۹۲) در منتهی المقال علاوه بر برشمردن صفات کتاب ارشاد، لقب سیدالسادات را برای او می‌آورد (سلیمانی، ۱۳۸۸) و از مستوفی در نزهة القلوب و شیخ یوسف بحرانی به تصریح نقل می‌کند که شاه‌چراغ معروف در زمان ما همین احمد بن موسی(ع) است و همچنین از وجیزه نقل می‌کند احمد بن موسی الکاظم(ع) مدح شده است (طبرسی، ۱۳۹۴). سید بحر العلوم همچون دیگر علماء متن ارشاد شیخ مفید(ره) را می‌آورد که دلالت بر توثیق و جلالت شخصیت احمد بن موسی(ع) است (ابن فارس، ۱۴۱۴ق) همچنین او در پاورقی، قبر معروف به شاه‌چراغ در شیراز را منسوب به او می‌داند و برای سخنش به کتب علماء ارجاع می‌دهد (ابن‌بابویه، ۱۳۸۶) و نیز آیت‌الله خوئی در معجم الرجال خویش به ارشاد اسناد می‌دهند. (استرآبادی، ۱۳۸۷). امام کاظم(ع) نسبت به احمد(ع) پسرشان محبت داشتند «کان أبوه موسی الکاظم یحبّه و وهب له ضیعة الیسیریة» (بروجردی، ۱۴۱۵ق) و اگر نبود محبتی از جانب احمد(ع) نسبت به پدر بزرگوارشان، محبتی از جانب امام کاظم(ع) نیز نمی‌بود زیرا در روایتی شریف حسن بن جهم از امام رضا علیه السلام پرسید: «می‌خواهم بدانم نزد شما چگونه هستم فرمود: بنگر مرا چگونه به حساب می‌آوری؟» (حاتمی، ۱۳۸۷) محبت امام کاظم(ع) نسبت به فرزندشان به گونه‌ای بروز و ظهور یافت که امام(ع) مزرعه خود را (معروف به یسیره) به احمد(ع) بخشید. (ابن حیون، ۱۳۸۵) امام صادق(ع) سه چیز را مایه ایجاد محبت معرفی نمودند: دینداری، فروتنی و بخشندگی. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق) امام کاظم(ع) با این بخشش محبت خویش را به این فرزندشان نشان دادند. (افلاکیان دوست، ۱۳۹۰) در کافی به سند

«مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدِ الْأَشْعَرِيِّ» حدیثی از امام رضا(ع) نقل شده است که مدرک سخن شیخ مفید (ره) در بخشیدن یسیره به احمد بن موسی(ع) را مشخص می‌سازد. در سلسله سند برخی به محمد بن خالد ایراد گرفته‌اند به‌طور مثال نجاشی او را ضعیف می‌داند «کان محمد ضعیفا فی الحدیث» (تشدید، ۱۳۹۴) و دلیلش را حلی از زبان ابن غضائری می‌آورد که او مولی جریر بن عبد الله بوده و این شخص از اشخاص ضعیف حدیث نقل می‌کرده و بر احادیث مرسل اعتماد داشته است: «قال ابن الغضائری إنه مولی جریر بن عبد الله حدیثه یعرف و ینکر و یروی عن الضعفاء و یعتمد المراسیل» (حیبی، ۱۳۸۸) البته شیخ طوسی (ره) محمد بن خالد را توثیق می‌کند (طریحی، ۱۳۸۵) و به همین دلیل علامه حلی بر قول شیخ طوسی (ره) اعتماد کرده و توثیق ایشان را بر سخن نجاشی برتری می‌دهند: «الاعتماد عندی علی قول الشیخ أبی جعفر الطوسی ره من تعدیله» در نهایت حدیث بر طبق سخن شیخ طوسی صحیح است (عرفان منش، ۱۳۷۷). «به ابو الحسن الرضا(ع) گفتیم: آیا انسان می‌تواند برخی از فرزندان خود را بیشتر دوست بدارد و یا بعضی از آنها را بر دیگران مقدم بدارد؟ ابو الحسن گفت: آری؛ جدم ابو عبدالله صادق به فرزندش محمد دیباج، عطیه‌ای پیشکش فرموده بود، و پدرم ابو الحسن به فرزندش احمد، آبادی «یسیره» را عطا کرده بود که من به کفالت آن همت گماشتم تا موقعی که در اختیار خودش نهادم. من گفتیم: قربانت شوم. روا هست که انسان دخترانش را بیش از پسرانش دوست بدارد؟ ابو الحسن الرضا گفت: فرقی نمی‌کند که انسان دخترانش را بیشتر دوست بدارد یا پسرانش را؛ به هر مقیاسی که خداوند - عز و جل - مهر فرزند را در دل انسان‌جای دهد، به او محبت می‌ورزد». (کالانتوری، ۱۳۹۰). نوع بخشش از دیباج یا یسیره نسبت به محمد و احمد در متن حدیث نیست و مترجم مصداق آن را احتمالاً از متن ارشاد به دست آورده‌اند. متن اصلی: «سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا عَ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ بَعْضُ وُلْدِهِ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ بَعْضٍ وَ يَقْدَمُ بَعْضُ وُلْدِهِ عَلَيَّ بَعْضٍ فَقَالَ نَعَمْ قَدْ فَعَلَ ذَلِكَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ نَحَلَ مُحَمَّدًا وَ فَعَلَ ذَلِكَ أَبُو الْحَسَنِ عَ نَحَلَ أَحْمَدَ شَيْئًا فَقُمْتُ أَنَا بِهِ حَتَّى حَزَّتْهُ لَهُ فَقُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ الرَّجُلُ يَكُونُ بَنَاتُهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ بَنِيهِ فَقَالَ الْبَنَاتُ وَ الْبَنُونَ فِي ذَلِكَ سَوَاءٌ إِنَّمَا هُوَ بِقَدْرِ مَا يَنْزِلُهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْهُ» عبارت شیباً برای بخشش امام موسی کاظم(ع) نسبت به احمد فرزندان به کار رفته است (مرادی، ۱۳۸۸).

سفر به ایران و شیراز

درباره آمدن احمد بن موسی (ع) به ایران و انگیزه او گزارش‌های گوناگون وجود دارد و این قسمت از زندگی وی فاقد شفافیت است. برخی عقیده دارند که این بزرگوار در بغداد ساکن بود و آن‌گاه که خبر شهادت و درگذشت ناگهانی امام رضا (ع) را شنید، به شدت ناراحت شد و گریه کرد، آن‌گاه با همراهانی بسیار (حدود ۳ هزار نفر) به خون‌خواهی و انتقام از مأمون خروج کرد و روی به ایران نهاد (ملک‌الکتاب شیرازی، ۱۳۳۵ق). بر پایه این گزارش او در قم و ری با سپاهیان مأمون جنگید و سرانجام به خراسان آمد و در جایی نزدیک اسفراین طی جنگ با لشکریان مأمون کشته شد (یعقوبی، ۱۳۸۶). بعضی دیگر باور دارند که احمد بن موسی (ع) پیش از درگذشت امام رضا (ع) و مقارن با ولایتعهدی آن حضرت همراه جماعتی قصد ایران کرده تا به برادرش ملحق شود و شرح آن در منابع اینگونه آمده است؛ در زمانی که حضرت امام علی بن موسی (ع) با ولایتعهدی تحمیلی در «طوس خراسان» بودند، حضرت احمد بن موسی (س) به اتفاق جناب سید محمد عابد و جناب سید علاءالدین حسین برادران خود و جمعی دیگر از برادرزادگان و اقارب و دوستان، به قصد زیارت آن حضرت از حجاز به سمت خراسان حرکت کرد و در بین راه نیز جمع کثیری از شیعیان و علاقه‌مندان به خاندان رسالت، به سادات معظم ملحق و به اتفاق حرکت کردند؛ تا جایی که می‌نویسند: به نزدیک شیراز که رسیدند، تقریباً یک قافله پانزده هزار نفری از زنان و مردان تشکیل شده بود (عرفان منش، ۱۳۹۶). خبر حرکت این کاروان را به خلیفه وقت (مأمون) دادند. وی ترسید که اگر چنین جمعیتی از بنی هاشم و دوستداران و فدائیان آن‌ها به طوس برسند، اسباب تزلزل مقام خلافت گردد، لذا امریه‌ای صادر نمود به تمام حکام بلاد که در هر کجا قافله بنی هاشم رسیدند، مانع از حرکت شوید و آن‌ها را به سمت مدینه برگردانید. به هر کجا این حکم رسید قافله حرکت کرده بود مگر شیراز. حاکم شیراز مردی به نام «قتلغ خان» بود. وی با ۴۰ هزار لشکر جرّار، در «خان زنیان» در هشت فرسخی شیراز اردو زد و همین که قافله بنی هاشم رسیدند، پیغام داد که حسب الامر خلیفه، آقایان از همین جا باید برگردید. حضرت سید احمد (س) فرمود: «ما قصدی از این مسافرت نداریم، جز دیدار برادر بزرگوارمان». اما لشکر قتلغ خان راه را بستند و جنگ شدید خونینی شروع شد اما لشکر در اثر فشار و شجاعت بنی هاشم پراکنده شدند. لشکر شکست خورده، تدبیری اندیشیدند. بالای بلندی‌ها فریاد زدند: «الان خبر رسید که ولیعهد (امام هشتم علیه السلام) وفات کرد!» این خبر مانند برق، ارکان وجود

مردمان سست عنصر را تکان داده، از اطراف امام زادگان متفرق شدند. جناب سید احمد(س) شبانه با برادران و اقارب از بیراهه به شیراز رهسپار شدند (عرفان منش، ۱۳۹۱).

چرا شاه چراغ

درباره پیدا شدن مدفن حضرت احمد بن موسی (س) حکایت دیگری نیز نقل شده است که توجه به آن دلیل نامیده شدن آن حضرت به شاه چراغ را نیز روشن می‌کند: تا زمان «امیر عضدالدوله دیلمی» کسی از مدفن حضرت احمد ابن موسی (ع) اطلاعی نداشت و آنچه روی قبر را پوشانده بود، تل گلی بیش به نظر نمی‌رسید که در اطراف آن، خانه‌های متعدد ساخته شده بود. از جمله پیرزنی در پایین آن تل، خانه‌ای گلی داشت و در هر شب جمعه، ثلث آخر شب می‌دید چراغی در نهایت روشنائی در بالای تل خاک می‌درخشد و تا طلوع صبح روشن است، چند شب جمعه مراقب می‌بود، روشنائی چراغ به همین کیفیت ادامه داشت با خود اندیشید شاید در این مکان، مقبره یکی از امامزادگان یا اولیاء الله باشد، بهتر آن است که امیر عضدالدوله را بر این امر آگاه کنیم(مامقایی، ۱۳۴۱). هنگام روز پیرزن به همین قصد به سرای امیر عضدالدوله دیلمی رفت و کیفیت آنچه را دیده بود به عرض رسانید. امیر و حاضرین از بیانش در تعجب شدند. درباریان که این موضوع را باور نکرده بودند، هر کدام به سلیقه خود چیزی بیان کردند، اما امیر که مردی روشن ضمیر بود، گفت: اولین شب جمعه شخص به خانه پیرزن می‌روم تا از موضوع آگاه شود. چون شب جمعه فرا رسید شاه به خانه پیرزن آمده و دور از خدم و حشم آنجا خوابید و پیرزن را فرمود هر وقت چراغ روشن گردید مرا بیدار کن. چون ثلث آخر شب شد پیرزن بر حسب معمول روشنائی پرنوری قوی‌تر از دیگر شب‌های جمعه مشاهده کرد و از شدت شغفی که به وی دست داده بود بر بالین امیر عضدالدوله آمده و بی‌اختیار سه مرتبه فریاد زد: شاه! چراغ. امیر بیدار شد و ناگهانی از خواب پریده و چشمش را متوجه سمتی نمود که پیرزن چراغ را به او نشان می‌داد و چون علنا و آشکارا چشمش نور چراغ را دید در شگفتی عجیب بماند و چون رو به سمت چراغ بر بالای تل برآمد اثری از چراغ ندید و چون به پایین آمد باز نور چراغ با روشنائی زیاد خودنمایی می‌کرد، خلاصه اینکه امیر شخصی را جهت کاوش در آن منطقه مامور می‌کند و.... مقبره فرزند ارشد موسی بن جعفر(ع) حضرت شاه چراغ پیدا می‌گردد و به دستور امیر بر بالای آنجایگاهی ساخته می‌شود که تا امروز زیارتگاه عاشقان اهل بیت عصمت و طهارت (ع) است. در شورای فرهنگ عمومی استان فارس نامگذاری یک روز به نام بزرگداشت آن حضرت مطرح شد و

متولیان امر تصمیم گرفتند که روز تولد آن حضرت را به‌عنوان مراسم بزرگداشت انتخاب کنند، لذا برای مشخص شدن روز دقیق تولد، مورخان و محققان تحقیقات خود را آغاز کردند(مامقانی، ۱۳۴۱).

بیعت حضرت احمد بن موسی(ع) و مردم مدینه با علی بن موسی الرضا(ع)

هنگامی که خبر شهادت حضرت امام موسی کاظم(علیه السلام) در مدینه منتشر شد، مردم بر در خانه ام احمد جمع شدند. آن گاه همراه با احمد بن موسی(علیهما السلام) به مسجد آمدند و به سبب شخصیت والای احمد بن موسی(علیهما السلام) گمان کردند که پس از شهادت امام موسی کاظم(علیه السلام) وی جانشین و امام است. به همین سبب، با وی بیعت کردند و او نیز از آن‌ها بیعت گرفت، پس بر بالای منبر رفت و خطبه ای در کمال فصاحت و بلاغت بیان کرد و فرمود: (ای مردم، هم چنان که اکنون تمامی شما با من بیعت کرده اید، بدانید که من خود، در بیعت برادرم علی بن موسی(علیهما السلام) هستم. او پس از پدرم، امام و خلیفه بحق و ولی خداست. از طرف خدا و رسولش بر من و شما واجب است که از او اطاعت کنیم (مفید، ۱۴۱۳ق). پس از آن، احمد بن موسی(علیهما السلام) در فضایل برادرش علی بن موسی الرضا(علیهما السلام) سخن گفت و تمامی حاضران تسلیم گفته او شدند و از مسجد بیرون آمدند، در حالی که پیشاپیش آن‌ها احمد بن موسی(علیهما السلام) بود. آن گاه خدمت امام رضا(علیه السلام) رسیدند و به امامت آن بزرگوار اعتراف کردند. سپس همگی با حضرت امام رضا(علیه السلام) بیعت کردند و حضرت علی بن موسی(علیهما السلام) درباره برادرش(احمد) دعا فرمود: (هم چنان که حق را پنهان و ضایع نگذاشتی، خداوند در دنیا و آخرت تو را ضایع نگذارد (منصوری، ۱۳۸۳).

عزیمت از مدینه به طوس

در زمان خلافت مأمون عباسی لعنه الله علیه که قیام و نهضت سادات هاشمی و علوی به اوج خود رسیده بود و با زعامت و هدایت حضرت امام رضا(علیه السلام) اسلام راستین و حاکمیت الهی ترویج می‌شد و حقیقت چهره کریه خلفای عباسی و حکومت غاصبین روشن می‌گشت، مأمون به‌منظور فرونشاندن مبارزات انقلابی شیعیان و تحکیم خلافت متزلزل عباسی ولایتعهدی خود را به حضرت امام رضا(علیه السلام) واگذار می‌کند و علیرغم میل باطنی امام(علیه السلام)، مأمون حضرتش را از مدینه به طوس انتقال می‌دهد و ولایتعهدی را به ایشان تحمیل می‌نماید (یعقوبی، ۱۳۸۶). حضور با برکت امام هشتم

(علیه السلام) در خراسان باعث می‌شود که شیعیان و محبان اهل بیت رسالت با اشتیاق زیارت چهره تابناک امامت و ولایت از نقاط مختلف بسوی ایران حرکت کنند (طبرسی، ۱۳۹۴). حضرت احمد بن موسی (علیهما السلام) نیز در همین سنوات (۱۹۸ تا ۲۰۳ ه.ق) به همراه دو تن از برادرانش به نامهای محمد و حسین و گروه زیادی از برادرزادگان، خویشان و شیعیان، بالغ بر دو یا سه هزار نفر از طریق بصره عازم خراسان شدند و از هر شهر و دیاری که می‌گذشتند، بر تعداد همراهانشان افزوده می‌شد، به طوری که برخی از مورخان تعداد یاران احمد بن موسی (علیهما السلام) را نزدیک به پانزده هزار نفر ذکر کرده‌اند (سلیمانی، ۱۳۸۸). در همین احوال، علیرغم خدعه و نیرنگ‌های مأمون عباسی برای مخدوش ساختن مقام ولایت و چهره علمی حضرت رضا (علیه السلام)، برتری حجت خدا و پیروزی‌های حضرتش کینه‌ی مأمون عباسی را بیشتر و سرانجام در سال ۲۰۲ ه.ق امام معصوم را مسموم و به شهادت می‌رساند. سپس در سوگ ایشان، با ریاکاری به عزاداری می‌پردازد و جسد مطهر حضرت رضا (علیه السلام) را با احترام در کنار مدفن هارون الرشید قاتل امام موسی الکاظم (علیه السلام) دفن می‌نماید (خویی، ۱۳۹۲). مأمون ملعون که از جنایات خویش بسیار متوحش، و خبث سریرت و دشمنی آل ابيطالب را از اسلاف خویش کمال و تمام به ارث برده بود، با اطلاع از حرکت حضرت احمد بن موسی (علیهما السلام) برادر بزرگوار امام رضا و یارانش به قصد خراسان، به جمیع حکام و عمال خود دستور داد هر کجا از بنی فاطمه و اولاد پیغمبر بیایند مقتول سازند و پیروان سادات بنی هاشم را با آزار و شکنجه مرعوب و مقهور حکومت غاصب نمایند (حلی، ۱۴۱۷ ق). خبر حرکت احمد بن موسی (علیهما السلام) توسط کارگزاران حکومتی به مأمون رسید. مأمون که ورود برادران امام را به مرکز حکومت، تهدیدی جدی برای موقعیت حساس خود می‌دید و از هم داستان شدن برادران و شیعیان امام با وی هراسناک بود، به همه حکمرانان خود، دستور داد که: در هر کجا قافله بنی هاشم را یافتند، مانع از حرکت آن‌ها شوند و آن‌ها را به مدینه بازگردانند یا مقتول کنند. این دستور به هر شهری که می‌رسید، کاروان از آنجا گذشته بود، مگر در شیراز که پیش از رسیدن کاروان احمد بن موسی (علیهما السلام)، حکم به حاکم وقت رسید. حاکم فارس ((قتلغ خان)) مردی سفاک و خونریز بود. وی با لشکری انبوه از شهر خارج شد و در برابر کاروان احمد بن موسی (علیهما السلام) اردو زد. احمد بن موسی (علیهما السلام) در دو فرسنگی شیراز با قتلغ خان روبرو شد. در آنجا خبر شهادت برادرش علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) انتشار یافت، و به احمد بن موسی (علیهما السلام) خبر دادند که اگر قصد دیدن برادر خود علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) را دارید،

بدانید که وی فوت شده است. حضرت احمد بن موسی(علیهماالسلام) که وضع را چنین دید، دانست که نخست، برادرش در طوس شهید شده است(حلی، ۱۴۱۷ق)؛ دوم، برگشتن به مدینه و یا غیر آن ممکن نیست؛ سوم، این جماعت به قصد مقاتله و جدال در این جا گرد آمده اند. بنابراین، اصحاب و یاران خود را خواست و جریان را به آگاهی همه رساند و افزود: قصد این ها ریختن خون فرزندان علی بن ابی طالب(علیهماالسلام) است، هر کس از شما مایل به بازگشت باشد یا راه فراری بداند، می تواند جان از مهلکه به سلامت برد که من چاره ای جز جهاد با این اشرار ندارم. تمامی برادران و یاران احمد بن موسی(علیهماالسلام) عرض کردند که مایل اند در رکاب وی جهاد کنند. آن بزرگوار در حق آن ها دعا خیر کرد و فرمود: پس برای مبارزه، خود را آماده سازید(حر عاملی، ۱۳۸۵).

پیدایش قبر احمد بن موسی(ع)

تاریخ نویسان، زمان پیدایش قبر حضرت احمد را یکسان ننوخته اند. گروهی آن را در زمان امیر عضدالدوله دیلمی (۳۳۸-۳۷۳) و گروهی دیگر، در زمان امیر مقرب الدین مسعود بن بدر (متوفی به سال ۶۶۵ ه.ق) نوشته اند(حبیبی، ۱۳۸۸).

تاریخچه آرامگاه احمد بن موسی(ع):

در سال ۷۴۵ (ق.ه) مادر شاه شیخ ابواسحاق اینجو پادشاه فارس، ملکه تاشی خاتون اقدامات نیکویی بر بارگاه آن حضرت انجام داد. این بانوی نیکوکار، اقدام به بهسازی بارگاه کرد و در عرض ۵ سال از سال ۷۴۵ تا ۷۵۰ (ق.ه) آرامگاهی وسیع و گنبدی بلند بر آن ساخت. همچنین در جنب آرامگاه، مدرسه ای وسیع بنا کرد. او همچنین تعداد زیادی از مغازه های بازار نزدیک حرم و ملک میمند فارس را وقف بر این آستان مقدس کرد(تشید، ۱۳۹۴). ابن بطوطه جهانگرد مراکشی که در سال ۷۴۸ (ق.ه) برای بار دوم به شیراز سفر کرده، در سفرنامه خود درباره اقدامات ملکه تاشی خاتون و توصیف آرامگاه، چنین نوشته است: این آرامگاه در نظر شیرازی ها احترام تمام دارد و مردم برای تبرک و توسل به زیارتش می روند. تاشی خاتون، مادر شاه ابواسحاق، در جوار این بقعه بزرگ، مدرسه و زاویه ای ساخته است که در آن به اطعام مسافران می پردازند و عده ای از قاریان پیوسته بر سر تربت امامزاده، قرآن می خوانند شب های دوشنبه، خاتون به زیارت آرامگاه می آید و در آن شب قضاات و فقها و سادات شیراز نیز حاضر می شوند.

این جمعیت در بقعه جمه می شونند و با آهنگ خوش به قرائت قرآن مشغول می شوند. خوراک و میوه به مردم داده می شود و پس از صرف طعام، واعظ، بالای منبر می رود و تمام این کارها در بین نماز عصر و شام انجام می گیرد (افلاکیان دوست، ۱۳۹۰). خاتون در غرفه مشبکی که مشرف به مسجد است، می نشیند. در آخر هم (به احترام این بقعه) همانند سرای پادشاهان طبل و شیپور و بوق می نوازند (افلاکیان دوست، ۱۳۹۰). در سال ۹۱۲ (ق.ه) به دستور شاه اسماعیل صفوی، بهسازی گسترده‌ای بر آرامگاه انجام گرفت. ۸۵ سال بعد بر اثر زلزله سال ۹۹۷ (ق.ه)، نیمی از گنبد آرامگاه ویران شد که دوباره در سال‌های بعد بازسازی گردید (ابن منظور، ۱۴۱۴ق). در سال ۱۱۴۲ (ق.ه) نادرشاه افشار بهسازی گسترده‌ای بر این آرامگاه انجام داد و به دستور او قندیل بزرگی در زیر سقف و گنبد آویزان کردند. نادرشاه پیش از گرفتن شیراز و غلبه بر افغان‌ها، پیمان بسته بود که اگر در جنگ پیروز شود، بهسازی شایسته‌ای بر این بقعه انجام دهد. بنابراین پس از پیروزی بر افغان‌ها و تسلط شیراز، ۱۵۰۰ تومان پول آن زمان را صرف بهسازی شاه‌چراغ کرد و قندیل او ۷۲۰ مثقال وزن داشته که از طلای ناب و زنجیر نقره‌ای ساخته بوده‌اند. این قندیل تا سال ۱۲۳۹ (ق.ه) همچنان آویزان بود (صدوق، ۱۴۲۰ق). در زلزله سال ۱۲۳۹ (ق.ه) شیراز با خاک یکسان شد و این آرامگاه نیز به کلی مخروبه گردید، نویسنده تذکره دلگشا که خود شاهد این زلزله بوده است چنین می نویسد: گنبد بقعه (شاه‌چراغ) که از غایت ارتفاع، آفتاب جهان تاب هر روز در نیم روز خود را در سایه آن کشیدی به یک دفعه چنان بر زمین خورد که زمین شکافته و در اعماق خاک فرو رفت... و آن عمارات عالی... تو گویی همیشه ویران بوده... (طریحی، ۱۳۸۵). پس از زلزله، قندیل هدایی نادرشاه را فروختند و صرف بازسازی آرامگاه کردند. در سال ۱۲۴۳ (ق.ه) به دستور فتحعلی شاه قاجار، حسینعلی میرزا فرمانفرما، پی‌گیر شد تا کف بقعه را یک متر از سطح زمین بلندتر بسازد. این کار صورت گرفت و به جای استفاده از سنگ و ساروج، آن را از سنگ و آجر و گچ بنا کردند و در آخر ضریحی نقره‌ای بر مزار مطهر نصب کردند. در سال ۱۲۶ (ق.ه) بر اثر زلزله، گنبد آرامگاه شکست و فرو ریخت. در همان سال محمدناصر ظهیرالدوله آن را نوسازی کرد (کلانتری، ۱۳۹۰). در سال ۱۲۸۹ (ق.ه) مسعود میرزا ظل السلطان دری نقره‌ای بر ورودی حرم نصب کرد و در سال ۱۲۹۲ (ق.ه) شاهزاده ظل السلطان، ساعت زنگ دار بزرگی بر برج جنوبی بقعه نصب کرد (مامقانی، ۱۳۴۱). در سال ۱۳۰۶ (ق.ه) آینه کاری مفصلی بر دیوارهای داخل حرم انجام گرفت (مرادی، ۱۳۸۸). در سال ۱۳۳۶ خورشیدی، آخرین گنبد قدیمی آرامگاه برچیده شد و اولین گنبد با بتون آرمه‌ای توسط انجمن آثار ملی و اداره باستان‌شناسی

فارس ساخته شد. در سال ۱۳۶۰ خورشیدی با حکمی از سوی حضرت امام خمینی (ره) سید محمد مهدی دستغیب به تولیت آستان مقدس احمدی و محمدی منصوب شدند (مفید، ۱۴۱۳ق).

بحث و نتیجه گیری

از مباحث فوق نتیجه گرفته می شود که احمد بن موسی بن جعفر(ع)، از فرزندان امام موسی کاظم(ع) معروف به سیدالسادات و شاه چراغ است. وی از شخصیت های عالی مقام و جلیل القدر و پرهیزکار بود. حضرت احمد (ع) در نزد پدرش امام موسی کاظم(ع)، از جایگاه و احترام ویژه ای برخوردار بوده است. نوشته اند که حضرت احمد، مردی کریم، جلیل القدر، بزرگوار و پارسا بود. حضرت امام موسی کاظم (ع) به دلیل علاقه ای که به حضرت احمد (ع) داشت، ملکی به نام یسیره را به او هدیه کرد، ملکی که بعدها حضرت احمد (ع) آن را فروخت و به وسیله آن هزار اسیر را آزاد کرد. اعتبار و جایگاه احمد(ع) در بین فرزندان امام موسی (ع) تا اندازه ای بود که پس از شهادت امام موسی کاظم (ع)، گروهی از مردم به حمایت از امامت احمد (ع) برخاستند و فرقه ای به نام امامیه را پدید آوردند.

این مطالعه نشان داد، که امام زادگان نقش برجسته ای در گسترش تشیع در مناطق مختلف ایران در دوره های مختلف تاریخی داشته اند. نگاهی به تاریخ ایران اسلامی به روشنی نشان می دهد که فراگیری تشیع در شهرها و روستاهای ایران زمین، پیوندی وثیق با مهاجرت علویان و امام زادگان در دوره های خلافت بنی امیه و بنی عباس داشته است. در این میان، مهاجرت گسترده امام زادگان به ویژه فرزندان امام موسی کاظم(ع) پس از آمدن امام رضا(ع) به ایران و پذیرش ولایت عهدی مأمون، یکی از برجسته ترین ادوار مهاجرت علویان به ایران است که با حضور ماندگار و یا شهادت مظلومانه خود، توانستند، بذره های تشیع را در سرزمین ایران، بپراکنند و زمینه رشد و گسترش آن را در دل و جان ایرانیان، نهادینه کنند. شیراز یکی از مهم ترین شهرهای مذهبی ایران اسلامی است شهری که مقام معظم رهبری آن را سومین حرم اهل بیت(ع) و سومین شهر مذهبی ایران اسلامی نامیدند بی شک حضور امامزادگان بزرگ و واجب التکریم در شیراز و مرقد مطهر آنان در این شهر بر عظمت و معنویت آن افزوده و سفر سالیانه میلیون ها نفر از هم وطنانمان از اقصی نقاط کشور و کشورهای همجوار به جهت زیارت بارگاه این بزرگواران به خصوص حضرت سید میر احمد بن موسی(ع) نشانی بزرگ از معنویت شیراز است.

منابع و مأخذ

- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۸۶ ش). الأملی (للسدوق)، مترجم: کمره ای، محمد باقر، چاپ ششم. تهران، کتابچی.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی. (۱۳۸۵ ق). دعائم الإسلام، محقق / مصحح: فیضی، آصف. چاپ دوم، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- ابن فارس، أحمد بن فارس. (۱۴۱۴ ق). معجم مقاییس اللغة، محقق / مصحح: هارون، عبد السلام محمد. چاپ اول. قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، محقق / مصحح: میر دامادی، جمال الدین. چاپ سوم. بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
- استر آبادی، میرزا مهدی خان (ش ۱۳۸۷). جهانگشای نادری، محقق، مصحح: انوار، سید عبد الله. چاپ اول. تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- افلاکیان دوست، مجتبی، (۱۳۹۰)، توریسم مذهبی فرصتی برای ارتقاء گردشگری در جامعه ایرانی - نمونه مورد نظر امامزاده هاشم گیلان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان.
- بروجردی، سید مهدی بحر العلوم (۱۴۱۵ ه ق). الفوائد الرجالیة (للسید بحر العلوم). محقق / مصحح: محمد صادق بحر العلوم - حسین بحر العلوم، چاپ اول. تهران - ایران، مکتبه الصادق.
- تشید، علی اکبر، (۱۳۹۴) قیام سادات علوی برای خلافت، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- حاتمی، مجتبی، (۱۳۸۷)، بررسی مساجد و امامزاده‌های شیراز، مجموعه مقالات اولین همایش توریسم مذهبی، یزد.
- حبیبی، حسن، (۱۳۸۸)، امامزاده‌ها و تربیت برخی از پاکان و نیکان، چاپ اول، تهران، انتشارات بنیاد ایران شناسی.
- حجازی؛ معینه السادات، علیزاده؛ سمانه، (۱۳۹۱)، بررسی چگونگی تاثیر فضاهای امامزاده ای بر حفظ هویت اسلامی شهروندان، آمل.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۵). الرجال. محقق: فاضلی، علی، قم، ایران، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث. حرّانی، ابو محمد، (۱۳۸۲ ش). تحف العقول. ترجمه: حسن زاده، چاپ اول. صادق، قم، انتشارات آل علی علیه السلام.
- حلی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر (۱۴۱۷ ق)، خلاصه الأقوال فی معرفه أحوال الرجال، قم، مؤسسه نشر الفقاهة.
- خسروی، موسی (۱۳۹۷ ش)، زندگانی حضرت امام موسی کاظم علیه السلام، چاپ دوم. تهران، اسلامیه.
- خویی، سید ابو القاسم موسوی (۱۳۹۲)، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرجال، قم، ایران.
- روضاتی، سید محمدعلی، (۱۴۲۴) جامع الانساب، اصفهان، انتشارات جاوید، چاپ اول.

سلیمانی، سعید، (۱۳۸۸)، طرح مرمت و احیاء مقبره میربزرگ، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.

صدوق، (۱۴۲۰ ق) عیون أخبار الرضا علیه السلام. چاپ اول. تهران، نشر جهان.
طبرسی، علی بن حسن (۱۳۹۴ ش)، مشکاة الانوار، ترجمه: عطاردی، عزیز الله. چاپ اول. تهران، عطارد.
طریحی، فخر الدین بن محمد، (۱۳۸۵ ش) مجمع البحرین، محقق / مصحح: حسینی اشکوری، احمد. چاپ سوم. تهران، مرتضوی.

عرفان منش، جلیل، (۱۳۹۶) چلچراغ شیراز، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، چاپ پنجم.
عرفان منش، جلیل، (۱۳۷۷) زندگانی و قیام احمد بن موسی، شیراز، دانشنامه فارس و بنیاد فارس شناسی، چاپ اول.

عرفان منش، (۱۳۹۱) جلیل، مهاجران موسوی، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ اول.
کلاتری، علی اکبر، (۱۳۹۰) آفتاب شیراز، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز، چاپ اول.
مامقانی، عبدالله، (۱۳۴۱) تنقیح المقال فی علم رجال، چاپ نجف.
مرادی، اصغر، (۱۳۸۸)، ضرورت نگاه به میراث فرهنگی تاریخی در راستای توسعه پایدار و مستمر، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.

مفید، محمد، الارشاد، (۱۴۱۳ ق) قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول، ج ۲.
ملک‌الکتاب شیرازی، میرزا محمد، (۱۳۳۵ ق) بحرالانساب، بمبئی، چاپ سنگی نستعلیق.
منصوری، علی، (۱۳۸۳)، نقش گردشگری در برنامه ریزی شیراز، پایان نامه، استادان راهنما: دکتر جمال محمدی، دکتر محمود مهدی نژاد، استاد مشاور: دکتر حمیدرضا وارثی، دانشگاه اصفهان.
یعقوبی، احمد بن یعقوب، (۱۳۸۶) تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ پنجم.